



سینمای جهان

★★★

کارگردان: میلیجو مانچفسکی
بازیگران: امیلیا استوژ کوفسکا،
میلیانا بوگدانوسکا
۱۲۴ دقیقه

حس بیننده را به سوی معمایی هراس آور سوق می دهد. کار با بازیگران (به خصوص بچه‌ها در صحنه‌ی آغازین) نشان‌دهنده‌ی قدرت و مهارت فیلم‌ساز است. مانچفسکی استعداد فوق‌العاده‌ای است که هنوز نتوانسته موفقیت همه‌جانبه‌ی نخستین فیلم‌اش یعنی «پیش از باران» را در سه فیلم بعدی‌اش به طور کامل تکرار کند.

۶۳

مادران MOTHERS

مانچفسکی از آن دسته فیلم‌سازانی است که سبک فیلم‌سازی‌اش با توجه به سوژه و داستان مورد نظرش تغییر می‌کند، و در فیلم آخرش، به شیوه‌ای مستند-داستانی و با استفاده از حرکت تدریجی درام به سمت مصاحبه، روایتی مرموز و غیر قابل اعتماد از شخصیتی نادیدنی به نمایش می‌گذارد. جست‌وجو به دنبال این فرد، با استفاده از فرم اپیزودیک در شهرهای مختلف مقدونیه، نتایج غریبی به دنبال دارد و به تدریج، که سه فیلم‌ساز می‌کوشند نشانه‌هایی از جنایت‌های پنهان و پی‌گیری نشده به دست آورند، فرم داستانی فیلم نیز در نهایت به سمت مستند میل می‌کند و

مقدمه‌ای بر راهنمای فیلم ۲۰۱۱



سعید عقیقی

این یک راهنمای فیلم است، و روشن‌کننده دیدگاه نویسنده متن نسبت به آثار سینمایی سال، هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که تمام فیلم‌های سال را (که به روایت سایت imdb بیش از ۹۰۰۰ تا است) دیده، و اصولاً چنین امکانی وجود ندارد. نیازی هم نیست. پی‌گیرترین «خوره»های فیلم در دنیا، به طور متوسط در روز می‌توانند بین چهار تا پنج فیلم دو ساعته را به طول کامل تماشا کنند (اگر فرض کنیم نیاز مالی ندارند و قرار نیست کار دیگری جز فیلم دیدن انجام بدهند). میان این گروه و منتقدان فیلم تفاوتی هست. آنان زمان مشخصی برای فکر کردن و نوشتن در مورد آنچه دیده‌اند کنار می‌گذارند. بنابراین، فیلم دیدن نزد کسانی که «مسأله»شان سینماست، نه مسابقه است و نه مایه تافخر. فرآیندی است که به طور طبیعی طی می‌شود و در این میان، فیلم‌هایی که به هر دلیل ارزش نوشتن دارند، برگزیده می‌شوند. در هر دوره، تعداد فیلم‌های پی‌ارزش تا متوسط، غالباً چندین برابر فیلم‌های خوب است، و تعداد فیلم‌های خوب، معمولاً بسیار بیش از فیلم‌های عالی. با این حال، نوع گزینش، معیار ارزش‌گذاری را نیز تعیین می‌کند. در نتیجه تعدادی از فیلم‌های دیده شده، از این فهرست کنار مانده‌اند.

در بررسی کلی سینمای ۲۰۱۱، وضع کمابیش غم‌انگیز فیلم‌های فرانسوی، و شرایط نگران‌کننده فیلم‌های ایتالیایی، نشان می‌دهد که سینمای اروپا نسبت به گذشته از نظر داستان‌گویی و زیبایی‌شناسی تا حدی پس رفته است. اقتصاد، سیاست و شبکه‌های تلویزیونی دولتی و خصوصی، هم بر شرایط تولید فیلم‌ها مؤثرند و هم بر فرم و زیبایی‌شناسی‌شان. با این حال، ساخته شدن فیلم‌هایی چون درخت زندگی و اسب تورین، مهر تأییدی بر زنده بودن نوعی دیگر از سینماست. متأسفانه امکان دیدن فیلم‌های آخر شانتال آکرمان، برادران تاونای و مایکل ویترباتم (و چند فیلم قابل توجه دیگر) فراهم نشد. امیدوارم در صورت تداوم راهنمایی فیلم به شکل فصلی، بتوانیم به آنها هم بپردازیم. تنها استثناء این فهرست که در سال ۲۰۱۰ ساخته شده، خارج از کشور سازنده به نمایش درنیامده و به دلیل اهمیت‌اش در میان فیلم‌های گنجانده شده، مادران اثر میلیجو مانچفسکی است. از کارگردان فیلم بابت اعتمادش و قرار دادن نسخه‌ای

از فیلم در اختیارمان، صمیمانه متشکریم. امسال برای فیلم‌سازان صاحب سبکی چون لارس فن تری به و پدر و آلمودوار (به‌خصوص دومی) سال چندان درخشانی نبود. در عوض، نام‌های کمتر شناخته شده، آثار به مراتب موفق‌تری عرضه کردند. امیدوارم خواننده این مجموعه، بیش از دایره‌ها و ستاره‌ها، به یادداشت‌هایی توجه کند که در حد چند جمله، فیلم‌ها را معرفی کرده‌اند. به مهم‌ترین فیلم سال در همین نشریه به طور گسترده پرداخته‌ام، و امیدوارم امکان نقد مفصل باقی آثار هم به مرور پیش بیاید. به این نکته هم اشاره کنم که تمام فیلم‌های سه ستاره و نیم به نظر من چهار ستاره‌اند، اما در این صورت، «به فیلم عمری» مثل درخت زندگی باید بیش از چهار ستاره می‌دادم، و چنین طبقه‌بندی‌ای در فهرست ارزش‌گذاری فیلم‌ها وجود نداشت! یادآوری می‌کنم که زمان فیلم‌ها براساس نسخه‌های موجود نوشته شده، و با مدت زمان قید شده در منابع دیگر، به ویژه سایت imdb که به دلیل ارائه اطلاعات توسط کاربران، در بعضی از موارد نادرست است، تفاوت دارد. از تمامی دوستانی که در تهیه این مجموعه به هر طریقی یاری‌ام کردند، ممنونم.

فهرست

بهترین‌های سال ۲۰۱۱:

۱. درخت زندگی
۲. آسیاب و صلیب
۳. اسب تورین
۴. سورخ کلید
۵. روزی روزگاری در آناتولی
۶. دهکده مقوایی
۷. فاوست
۸. کوربولانوس
۹. آرتیست
۱۰. مجنون‌وار

و: مورد عجیب آنژلیکا، بسیار گوش‌خراش و کاملاً نزدیک، زمینی دیگر، جدایی نادر از سیمین، در تاریکی و... حتماً فیلم‌هایی هست که من ندیده‌ام.

۶۴

آریرنگ ARIRANG

مستندی خودنگارانه از کیم کی دوک، فیلم‌ساز بسیار تحسین‌شده‌ی کره‌ای درباره‌ی افسردگی شدیدش، نگاهش به زندگی و احساس نومی‌اش نسبت به ادامه‌ی کار فیلم‌سازی. آن‌چه در این محاکات شخصی به نظر آزاددهنده می‌رسد، تظاهر به نومی‌شدن است. فیلم‌ساز دوربین را مقابل خودش گذاشته و از خودش می‌پرسد که چرا گوشه‌نشین شده (کدام گوشه‌نشین؟) او تقریباً به طور دائمی در حال فیلم‌سازی است، اما برداشتن هفت تیر و رفتن به سمت یک مغازه و صدای گلوله، یا آواز خوانی گوش‌خراش و مکث بر پوستر فیلم‌های خودش، نشان می‌دهد که او چندان در این ادعا جدی نیست. کار کیم کی دوک



سینمای جهان

★

کارگردان: کیم کی دوک
بازیگر: کیم کی دوک
۱۰۰ دقیقه

کمابیش شبیه همان کاری است که محسن مخملباف در بعضی از فیلم‌هایش می‌کرد. در چند دقیقه‌ی نخست، با وضعیت فیلم‌ساز هم‌دردی می‌کنیم، اما این هم‌دردی به مرور جای خود را به تردید و ملال می‌دهد. زمان فیلم بیش از حد طولانی‌ست و در بخشی از فیلم مشخص است که فیلم‌ساز حرفی برای زدن ندارد. البته تکه‌های خوبی در فیلم هست (مثل جمله‌هایی درباره‌ی سینمای روز)، اما باور کنیم، این جمله‌ها برای به ثمر رساندن یک فیلم صد دقیقه‌ای کافی نیست. کیم کی دوک در فاصله‌ی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ فیلمی نساخته است، اما در ۲۰۱۱ برای تولید سه فیلم اقدام کرده است. لحن او در فیلم، بیش‌تر به کوشش برای جلب توجه می‌ماند تا کسی که به دردرس افتاده است. فکر می‌کنم جایزه‌ی کن برای همین فیلم، کوششی‌ست برای بیرون آوردن او از این انزوای خودخواسته.